

مجله‌ی علمی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال دهم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۹۸ (پیاپی ۲۰)، صص ۱۲۹-۱۵۰

بایسته‌های ترجمه‌ی ادبیات کودک و نوجوان از منظر فنی و دیداری
(نمونه‌ی تطبیقی و پژوهشی: ترجمه‌ی مجموعه «حکایات النخلة الخضراء»)

مصطفی مهدوی آرا* احمد ایزی**
دانشگاه حکیم سبزواری

چکیده

ترجمه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان، حوزه‌ای از ترجمه است که ویژگی‌ها و دشواری‌های خاص خود را دارد. بررسی‌ها نشان داده است با وجود اینکه تصور غالب، برگردان آثار حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، به مترجمی زبده و آگاه نیاز دارد؛ مترجمی که به روان‌شناسی کودک، مراحل رشد زبانی این گروه سنی و تفاوت‌های فرهنگی زبان‌های مبدأ و مقصد، آگاهی و شناخت کافی داشته باشد. نگارندگان در این نوشتار سعی کرده‌اند با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و تطبیق مجموعه داستان *حکایات النخلة الخضراء* با ترجمه‌ی فارسی آن، به دشواری‌های ترجمه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان، از عربی به فارسی پرداخته و با ذکر شواهدی از این مجموعه، بایسته‌های ترجمه‌ی داستان‌های کودکانه را با تکیه بر دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی، همچون ایتینن، کلینبرگ و دال، تحلیل و بررسی کنند. نتایج این جستار نشان می‌دهد مترجم در این مجموعه با چالش‌هایی از قبیل تفاوت‌های فرهنگی و زبانی عربی و فارسی، ارتباط نداشتن متن و تصویر و توجه ناکافی به اهداف آموزشی و تربیتی نهفته در اصل داستان‌ها، روبه‌رو بوده است.

واژه‌های کلیدی: ترجمه‌ی ادبیات کودک، چالش‌ها، نجران مرهون، *حکایات النخلة الخضراء*.

* استادیار زبان و ادبیات عربی m.mahdavi@hsu.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

** کارشناس ارشد مترجمی زبان و ادبیات عربی izey.ahmad54@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۵/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۰/۱۲

۱. مقدمه

امروزه هیچ ملت و جامعه‌ای به‌تنهایی قادر به ادامه‌ی حیات فرهنگی و اجتماعی نیست و هرچه از رویکردهای تعامل‌آمیز و دستاوردهای کشورهای مختلف اجتناب ورزد، به‌تدریج منزوی می‌شود و به همان نسبت از مدنیت و تمدن جهانی فاصله می‌گیرد؛ بنابراین «یکی از راه‌های ایجاد شناخت و ارتباط میان کودکان جهان، ترجمه‌ی کتاب‌های مناسب و باارزش ملل مختلف است تا از این طریق، آداب‌ورسوم و نحوه زندگی، مسائل و مشکلات و مبارزات و تلاش‌های ملت‌ها، خود را بهتر بشناسند و از آن‌ها بیاموزند» (محمدی و سیفی، ۱۳۹۴: ۶۱). کلینبرگ چهار هدف را برای ترجمه‌ی ادبیات کودک و نوجوان برمی‌شمارد: «۱. کسب تجربه و درک وسیع‌تر از جوامع و فرهنگ‌های بیگانه؛ ۲. فراهم آوردن ادبیات وسیع‌تر کودکان و نوجوانان؛ ۳. کمک به گسترش مجموعه ارزش‌های آنان؛ ۴. فراهم آوردن آثاری برای آنان که خلأ معرفتی آنان را پر کنند» (قرشی و امین‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۹).

به‌راستی آیا همه‌ی اهداف مذکور در ترجمه‌ی آثار کودک و نوجوان در ایران اتفاق می‌افتد؟ بخش زیادی از آثار ترجمه‌شده در حوزه ادبیات کودک در کشور ما برگرفته از ادبیات کشورهای دیگر، از جمله کشورهای عربی همچون سوریه، عراق و... است. باوجوداین، بسیاری از این آثار نقد و بررسی نشده‌اند. طبق نظر کارشناسان حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، طی سال‌های اخیر بسامد کتب ترجمه‌شده به زبان فارسی نسبت به کتب‌های تألیفی رو به افزایش بوده است. با توجه به رغبت مخاطبان کودک و نوجوان به ادبیات ترجمه‌ای، انتظار می‌رود این روند افزایشی همچنان ادامه داشته باشد؛ ازاین‌رو با توجه به افزایش روزافزون کتب‌های ترجمه‌شده و احتمال ترجمه و چاپ کتاب‌هایی بی‌محتوا و بعضاً مخرب و مغایر با فرهنگ مقصد برای این گروه سنی، پرداختن به نقد ترجمه و بیان مشکلات فنی و دیداری مربوط به ترجمه‌ی ادبیات کودک، ضروری است. نظر به ضرورت تبیین‌شده، این جستار در نظر دارد ضمن تطبیق مجموعه داستان *حکایات النحلة الخضراء* با ترجمه‌ی فارسی آن، اثر مذکور را در دو بخش

جنبه‌های فنی و جنبه‌های دیداری، نقد و بررسی کند. این مجموعه نوشته‌ی نجران مرهون (۲۰۱۳)، نویسنده‌ی عراقی و مقیم هلند است که معصومه بخشی (۱۳۹۲) آن را به فارسی برگردانده است. انتشارات «دار البراق» عربی و فارسی این مجموعه را در نجف و قم به چاپ رسانده است و شامل هشت داستان کودک با عنوان‌های عربی ذیل است که عنوان و معادل فارسی داستان‌ها در برابر آن نوشته شده است: «۱. القنفذ صدیق الكل: تیغ تیغی مهربون؛ ۲. أنا ألعب معك: دوست خوب؛ ۳. بيت الخالة فثفت: خونه‌ی خاله موشه؛ ۴. رحلة بالون لولول: بادکنک بازیگوش؛ ۵. شجرة العنب لمن: درخت انگور؛ ۶. نزهة بحرية ولكن: تفریح دریایی؛ ۷. عربة لصغار الغابة: گاری شادی؛ ۸. شيء واحد يجمعنا: با هم دوست باشیم».

۲. سؤال‌های پژوهش

جستار حاضر در نظر دارد با تکیه بر این مجموعه داستان، به روش توصیفی تحلیلی و تطبیق آن با ترجمه‌ی فارسی به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مترجم در برگردان مجموعه حکایات النخلة الخضراء تا چه حد در انتقال پیام نویسنده‌ی متن اصلی، عناصر فرهنگی تربیتی و ترجمه‌ی روان متن، موفق بوده است؟
۲. مترجم در انتقال جنبه‌های دیداری متن اصلی، چه مقدار به ارتباط متن و تصویر و بیان رنگ‌ها توجه داشته است؟

۳. پیشینه پژوهش

همان‌گونه که در تبیین ضرورت تحقیق اشاره شد، پژوهش‌هایی که به نقد ترجمه‌ی آثار کودک در ایران پرداخته‌اند، به‌ویژه آثار ترجمه‌شده از عربی، بسیار اندک هستند. نگاهی به محتویات دو نشریه تخصصی مسائل ترجمه در کشور در بیست سال پس از انقلاب، فصلنامه‌ی مترجم و فصلنامه‌ی مطالعات ترجمه، نشان می‌دهد در هریک از این دو نشریه، سهم مقالات مرتبط با ترجمه‌ی ادبیات کودک بسیار اندک، حدود ۱۰٪ از سایر زمینه‌های ترجمه، است (رک. امام، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

در ادامه به تعدادی از این مقاله‌ها که به بررسی آثار ترجمه‌شده از انگلیسی پرداخته‌اند، اشاره می‌شود: ۱. قرشی و امین‌زاده (۱۳۹۱) سه ترجمه از کتاب *آلیس در سرزمین عجایب* را از منظر خوانایی متن بررسی کرده‌اند و بدین منظور، شیوه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند؛ در نهایت مدل ترکیبی را برای ارزیابی خوانایی متن پیشنهاد کرده‌اند. ۲. گشمردی و رضانواز (۱۳۹۲) با نقد و بررسی بخش‌هایی از ترجمه‌های فارسی کتاب *شازده کوچولو* در پی پاسخ به این پرسش بوده‌اند که تا چه اندازه به بافتار متن اصلی در ترجمه توجه شده است.

در بیان وجه تمایز تحقیق حاضر باید گفت تا آنجا که نگارندگان مطلع شدند، تاکنون در زمینه نقد و تطبیق کتاب‌های ترجمه‌شده از عربی، تحقیقی به این شکل انجام نشده است؛ علاوه بر این در این جستار سعی شده، بعد از شناسایی و برقراری ارتباط با نویسنده و مترجم مجموعه‌ی *حکایات النخلة الخضراء*، از نظرهای ایشان نیز در نقد و بررسی استفاده شود.

۴. مخاطب‌شناسی مترجم

مخاطب‌شناسی به‌عنوان پدیده‌ای جدید، حرکتی فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناسانه است که در عصر حاضر به آن توجه شده است. «مترجم باید فرهنگ، سطح خوانایی گروه سنی زبان مبدأ را درک کند و تطبیق باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که ضمن حفظ اصالت متن، محتوا و پیام برای زبان مقصد درک‌شدنی باشد. مترجم در برگردان اثر باید به شناخت اثر در زبان مبدأ و مخاطب در مبدأ و فرهنگ او همچنین در زبان مقصد و شناخت دانش پایه و دانش زبانی او در زبان مبدأ و مقصد واقف شود» (قرشی، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۲۰) تا از این رهگذر بتواند آگاهانه عناصر فرهنگی مناسب فرهنگ بومی را منتقل و از ورود برخی عناصر غیر ارزشی جلوگیری کند.

از دیگر مسائل عمده‌ی مترجمان ادبیات کودک این است که مترجمان به گروه سنی مخاطبان خود تعلق ندارند؛ اما به هنگام ترجمه‌ی «کودکی خود را به تجربه خوانش خود می‌افزایند باینکه آن‌ها بزرگسال‌اند؛ اما فقط از دیدگاه یک

بزرگسال ترجمه نمی‌کنند، هر بزرگسالی یک کودک سابق است و به‌گونه‌ای کودکی در درون خود دارد. هنگامی که مترجم‌ها برای کودکان ترجمه می‌کنند، با همه آنان به گفت‌و شنود می‌نشینند، تاریخچه کودکی، کودکی زمان خود، کودک گذشته و کودک اکنون درونشان... را به یاد می‌آورند» (ایتینن، ۱۳۹۴: ۵۳). علی‌رغم تأکید ایتینن بر این مطلب، دیده شده که گاه مترجمان دراثنای ترجمه، مغلوب شخصیت بزرگسالی خود می‌شوند که در بررسی ترجمه‌ی مجموعه داستان *حکایات النخلة الخضراء* این مسئله دیده می‌شود. در بررسی مجموعه داستان *نخل سبز*، مشخص شد که مترجم این اثر در جای‌جای آن نتوانسته بر حس بزرگسالی خود غلبه کند؛ از این رو در انتقال پیام نویسنده به کودک، استفاده از واژگان متناسب با دانش پایه‌ی کودک و درک درست عناصر فرهنگی و تربیتی حاضر در متن، از خطا در امان نمانده است که در بخش بعدی به نمودهایی از آن اشاره می‌شود.

۵ جنبه‌های فنی ترجمه

جنبه‌های فنی ترجمه‌ی ادبیات کودک را در تقسیم کلی می‌توان به مسائل محتوایی و ساختاری تقسیم کرد. مسائل محتوایی شامل بیان یا حذف عناصر فرهنگی، تربیتی و آموزشی است. مسائل ساختاری شامل دو بخش است: ساختار عناصر داستان، همچون عنوان داستان، شخصیت‌ها، چگونگی آغاز و پایان داستان و اسلوب بیان داستان؛ مسائل فنی ترجمه، همچون معادل‌یابی واژگانی و بافتاری و نیز توجه به سطح خوانش کودک؛ در ادامه به این مباحث می‌پردازیم.

۵. ۱. مسائل محتوایی

۵. ۱. ۱. عناصر فرهنگی

کودکان و نوجوانان، تنها قشر پاک و معصومی هستند که غذای روحی و فرهنگی خود را، خود نمی‌توانند تعیین کنند و در این باب بزرگ‌ترها برای ایشان تصمیم‌گیرنده هستند. از این رهگذر، گاه دیده شده مترجم به دلایلی همچون

نداشتن درک روان‌شناسی از کودک برای بومی‌سازی ترجمه، اقدام به حذف و اضافه کردن برخی عناصر می‌کند؛ بنابراین ترس آن می‌رود مبدا کودکان از حق طبیعی‌شان محروم شوند. البته باید توجه داشت حذف و اضافه برخی عناصر در آثار ترجمه‌شده، خارج از اختیار مترجم است و عواملی همچون ناشر، ویراستار، تدوینگر، نهادهای اعطای مجوز چاپ و تفاوت‌های عمیق فرهنگی بین دو زبان در آن دخیل هستند. درعین‌حال، باید گفت مترجمان ادبیات کودک، رسالت مهم‌تری از مترجم ادبیات بزرگ‌سال بر عهده دارند و علاوه بر مهارت در جنبه‌های هنری ترجمه، باید با روان‌شناسی کودک و نوجوان و نیازهای روحی و روانی آنان در سنین خاص، آشنا باشند و هرگونه دخل و تصرف در ترجمه را با مطالعه و آگاهی پیشین انجام دهند؛ مثلاً «چنانچه افزایشی در متن ترجمه صورت می‌پذیرد، می‌بایستی تنها در جهت درک اطلاعات باشد و از نظر معنایی نسبت به متن زبان مبدأ خنثی نماید، بار عاطفی متن را تغییر ندهد و از همه مهم‌تر با سبک به‌کاررفته در متن مبدأ انطباق داشته باشد» (صفوی، ۱۳۷۱: ۶۷).

همان‌طور که اشاره شد دوری زبان‌ها و فرهنگ‌ها، از عوامل حذف عناصر فرهنگی هستند و وقتی فرهنگ و زبان، هر دو دور باشند، مثل فارسی و انگلیسی، اشکال چندین برابر و وظیفه‌ی مترجم بسیار سنگین‌تر می‌شود (رک. یعقوبی، ۱۳۸۴: ۵۳). در تطبیق مجموعه حکایات النخلة الخضراء با ترجمه‌ی فارسی آن مشخص شد، نظر به قرابت فرهنگی و مذهبی دو زبان عربی و فارسی، شاهده‌ی از ناهنجاری‌ها و مسائل غیراخلاقی مشاهده نشد که مترجم مجبور به حذف یا بومی‌سازی آن شود.

نکته‌ی درخور توجهی که جای آن در ترجمه‌ی این اثر و چه‌بسا در بسیاری از آثار ترجمه‌شده‌ی دیگر خالی است، نبودن مقدمه‌ی مترجم، در تبیین جایگاه مخاطب است. فقدان مقدمه‌ی مترجم در ادبیات کودک و نوجوان که می‌توان آن را از چالش‌های فرهنگی این حوزه دانست، موضوعی است که آن‌چنان‌که باید بدان توجه نشده است. همان‌گونه که تصاویر روی جلد کتاب باعث تشویق بزرگ‌سالان برای خرید کتاب و رغبت کودکان به خواندن آن می‌شود، یادداشت

و مقدمه‌ی مترجم نیز به درک بهتر موضوع و محتوای کتاب و به تبع آن، گزینش کتاب مناسب برای کودک و نوجوان کمک می‌کند. چه بسا درج مقدمه‌ی مترجم در کتاب کودک و نوجوان اهمیت بیشتری نسبت به کتاب بزرگسال داشته باشد؛ اما به‌ندرت دیده می‌شود مترجم مقدمه‌ای بر ترجمه خود بنگارد. مترجم قادر است با درج مقدمه، ابهامات احتمالی را از مخاطب ویژه‌اش بزداید و در معرفی کتابی مناسب به او کمک کند.

مترجم مجموعه *حکایات النخلة الخضراء*، مقدمه‌ای بر ترجمه‌ی خود نوشته است و تنها روی جلد و به‌صورت بسیار کوتاه، هدف از تدوین آن را آموزش روابط و تقویت مهارت‌های اجتماعی کودک در تعامل با هم‌سالان خود ذکر کرده است که در این زمینه نیز به نظر می‌رسد نتوانسته است به‌خوبی مهارت‌های مدنظر نویسنده را منتقل کند؛ برای نمونه، در تطبیق داستان «أنا ألعب معك: دوست خوب» با ترجمه‌ی فارسی آن مشخص شد که مترجم عنصر مواجهه‌ی کودک با موقعیت ترس را که مدنظر مؤلف بوده، از داستان حذف کرده است. نویسنده در داستان، با گرفتار آمدن خرگوش در دام خرس قهوه‌ای، درصد انتقال موقعیت ترس از فضای داستان به کودک بوده است (رک. مرهون، ۲۰۱۳: ۸)؛ اما مترجم آن‌گونه که خود اظهار می‌کند، عمداً و به‌دلیل تناسب داستان با فرهنگ خانواده‌های ایرانی که درصد حمایت بیش‌ازحد کودک خود از موقعیت ترس هستند، آن را حذف کرده است (رک. بخشی، ۱۳۹۲: ۴). این در حالی است که «هنگامی که ما می‌کوشیم کودکانمان را در برابر احساسات رنج‌آور محافظت کنیم، آن‌ها را از تجربه‌کردن چیزهای مفید محروم می‌کنیم، چیزی که آن‌ها کاملاً حق تجربه‌کردن آن‌ها را دارند» (ایتینن، ۱۳۹۴: ۹۲).

در زمینه‌ی برگردان عناصر فرهنگی بیگانه، پورتین معتقد است اغلب مترجمان ژانر کودک بر این باورند که کودکان عناصر را چه در متون و چه در فیلم بر نمی‌تابند به همین دلیل تلاش می‌کنند با شیوه‌هایی چون تصریح و اقتباس، اثر را تا حد امکان با هنجارها و الگوهای فرهنگ مقصد مطابقت دهند. به اعتقاد

وی این مترجمان تصور می‌کنند با زدودن عناصر فرهنگی، فیلم را برای کودکان درک‌پذیر کرده‌اند و به این ترتیب به آن‌ها خدمت می‌کنند؛ درحالی‌که با این استراتژی در حقیقت وسعت دیدشان را کاهش می‌دهند (رک. شکوهمند، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

۵. ۱. ۲. عناصر تربیتی

متأسفانه در برگردان بعضی آثار، برخی از عناصر تربیتی، خواسته یا ناخواسته، حذف می‌شوند. مترجمان ادبیات کودکان، به باور شویت، به لحاظ جایگاه حاشیه‌ای این ادبیات، برخلاف مترجمان ادبیات بزرگ‌سالان، در ترجمه‌ی متن مبدأ، آزادی عمل گسترده‌ای احساس می‌کنند و خود را مجاز به تغییردادن، بسط‌دادن، خلاصه‌کردن، حذف یا افزودن متن مبدأ می‌دانند (رک. معاذاللهی، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

در مجموعه حکایات النخلة الخضراء، نجران مرهون درصدد بوده است مهارت‌هایی همچون مشارکت در راه‌حل مشکلات، مشارکت در کارهای گروهی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، راضی‌بودن به سهم خود، کمک به هم‌سالان و غیره را برای کودک، در فضای داستان مطرح کرده، آن را غیرمستقیم به وی منتقل کند؛ اما مترجم از این نکته غافل شده و با ترجمه‌ی متن به شکلی دیگر این عناصر را از متن حذف کرده است. تعدادی از این مهارت‌ها که در ترجمه‌ی انعکاس نیافته، در جدول زیر ذکر شده است.

عنوان کتاب	متن عربی	ترجمه‌ی فارسی	ترجمه‌ی پیشنهادی	حذف پیام داستان
«عربیة لصغار الغابة» (مرهون، ۲۰۱۳ ز: ۷)	بدأ الثلاثة بالعمل...	حذف	سه نفری شروع به کار کردند	مشارکت در کارهای گروهی
«عربیة لصغار الغابة» (مرهون، ۲۰۱۳ ز: ۷)	والتأكد من قوتها (العربیة) ومن سلامتها	حذف	برای اطمینان از استحکام و امنیت گاری	آموزش ایمنی به کودک
«نزهة بحرية و لكن»	كيف سنركب في الزورق؟	حذف	چطوری سوار قایق بشیم؟	طرح سؤال و مشارکت در

راه‌حل و حل مشکل				(مرهون، ۲۰۱۳ و: ۹)
تفکر و مشارکت در تصمیم‌گیری	سه نفری به موضوع فکر کردند	حذف	فکر الثلاثة...	«نزهة بحرية و لکن» مرهون، ۲۰۱۳ و: ۱۰
آموزش حس بخشندگی و قناعت	سنبجاب و آقا ماره یه کمی انگور چیدن، بعد اونا رو توی سبدی گذاشتن و به خاله موشه هدیه دادند، خاله موشه هم از اونا تشکر کرد	تغییر کلی (بخشی، ۱۳۹۲: ۸)	قطف سنجوب و فوفو کمیۀ... و قدمها فی سلۀ إلی الخالة فتفت، شکرهما	«شجرة العنب لمن؟» (مرهون، ۲۰۱۳ ه: ۸)
قناعت به سهم خود و عدالت‌محوری	سهم انگورشو چید	تغییر: مقداری انگور چید (بخشی، ۱۳۹۲: ۱۱)	فقد قطف حصته من العنب	«شجرة العنب لمن؟» (مرهون، ۲۰۱۳ ه: ۱۱)

برآیند کلی در این بخش، این است که نظر به قرابت دینی دو زبان عربی و فارسی، موضوعی مخالف با هنجارهای اجتماعی در اثر وجود نداشته که مترجم بخواهد آن را بومی‌سازی یا حذف کند، به‌جز موضوعاتی همچون تجربه‌کردن ترس که آن نیز مربوط به تفاوت‌های فرهنگی بین دو زبان است. فرایند «حذف» در مسائل تربیتی (جدول مذکور) بیشتر نمود دارد که به‌نظر می‌رسد ناشی از ناآگاهی مترجم از این مسائل بوده و عامدانه حذف نشده است.

۲.۵. مسائل ساختاری

۲.۵.۱. ساختار داستان

همان‌گونه که گفته شد از مسائل مهم در تطبیق ترجمه‌ی آثار داستانی کودکان انتخاب عنوان مناسب، چگونگی شروع و پایان داستان، انتخاب نام شخصیت‌ها و زبان بیان و... است. پرداختن به این موضوع‌ها، مجال دیگری می‌طلبد؛ اما چون بناس است در این جستار به همی جوانب تطبیق، هرچند گذرا، اشاره‌ای شود، در

این بخش به ترجمه‌ی عنوان داستان‌ها، چگونگی انتخاب نام شخصیت‌ها و نوع زبان داستان نگاهی می‌افکنیم.

گفته می‌شود عنوان داستان باید بیان‌کننده‌ی محتوای داستان باشد و از منظر نشانه‌شناسی، محتوا را الهام کند. در بررسی ترجمه‌ی عنوان داستان‌های مجموعه *حکایات النخلة الخضراء* به فارسی، درمی‌یابیم مترجم گاه با در نظر نگرفتن محتوا و همچنین با احساس آزادی عمل، در ترجمه‌ی عنوان داستان‌ها به خطا رفته است؛ برای نمونه، همان‌طور که در تصویر شماره ۱ دیده می‌شود، مترجم عنوان داستان «أنا أَلعب معك» را «دوست خوب» ترجمه کرده است، ترجمه‌ای که با تصویر روی جلد نیز همساز نیست. به نظر می‌رسد منظور نویسنده اصلی از انتخاب این عنوان چیزی غیر از دوستی بوده است؛ چون محتوای داستان بر زیرکی خرگوش در برابر خرس خشمگین و فرار وی از چنگال خرس دلالت دارد.



تصویر ۱

در مثالی دیگر او عنوان داستان «القنفذ صديق الكل» را «تیغ تیغی مهربون» ترجمه می‌کند که به هیچ‌وجه بیانگر محتوای داستان نیست. نویسنده با انتخاب این عنوان و کمک خاریشت به دیگر حیوانات، درصدد انتقال آموزه‌ی کمک‌کردن به هم‌نوعان

است و تا حدودی عنوان عربی، بر این پیام دلالت می‌کند؛ اما مترجم با انتخاب عنوان «تیغ تیغی مهربون» نتوانسته محتوای داستان را نشان دهد.

از دیگر نکات درخور توجه در تطبیق این مجموعه با ترجمه‌ی فارسی آن، چگونگی شروع و پایان غالب داستان‌ها است. به نظر می‌رسد مترجم درصدد بوده با تغییر محسوس آغاز و پایان داستان‌ها، آن‌ها را برای کودک ایرانی مأنوس‌تر و بومی‌سازی کند؛ برای نمونه، داستان «*عربة لصغار الغابة*» این‌گونه آغاز می‌شود: «*جلست الأرنوبة الصغيرة علی شجرة و طلبت من والدها أن يسحبها...*» (مرهون، ۲۰۱۳ ز: ۳). مترجم با افزودن برخی اضافات از حد متن فراتر رفته و آن را این‌گونه ترجمه کرده است: «صبح یکی از روزهای تابستون، خرگوش کوچولوی قصه‌ی ما، روی تنه درختی که زمین افتاده بود نشست و با خوشحالی به پدرش گفت: «میشه با من بازی کنی و تنه درخت رو بکشی؟»» (بخشی، ۱۳۹۲ ز: ۳). در تطبیق شروع این داستان با ترجمه‌ی آن در زبان فارسی درمی‌یابیم شروع داستان تا چه حد متفاوت است؛ همچنان که در آغاز و پایان دیگر داستان‌ها نیز این ناهماهنگی و مطابقت نداشتن، دیده می‌شود.

نکته بعدی در باب مقایسه‌ی ساختار این مجموعه با ترجمه‌ی فارسی آن، نام شخصیت‌ها هستند. نجران مرهون در این داستان‌ها از شخصیت‌های حیوانی بهره برده و برای هرکدام از آن‌ها نامی انتخاب کرده است؛ برای نمونه: *الأرنب ربری، الدب دُنْفَش، القَطّ لولو، الأفعی فوفو، البلب زینه، القنفذ ونّوس، السنجوب بُدْش، القرد قُبْش، الضفدع دیدو* و... البته برخی از این نام‌ها بی‌مسما هستند. مؤلف کتاب در پاسخ به چرایی انتخاب این اسم‌ها، دلیل آن را دوست‌داشتنی‌کردن حیوان برای کودک در فرهنگ عربی بیان کرده است؛ اما مترجم در ترجمه‌ی داستان‌ها برای هیچ‌یک از حیوانات، نامی انتخاب نکرده و در توصیف آن‌ها به کوچکی یا رنگ (مثلاً گربه کوچولو یا خرس قهوه‌ای) اکتفا کرده است. چه بسا علت آن گویای تفاوت فرهنگی بین ایران و عرب باشد.

نکته‌ی آخر در بررسی عناصر این مجموعه و تطبیق آن با ترجمه‌ی فارسی آن، استفاده‌ی راوی از دو زبان متفاوت، فصیح و محاوره‌ای، در بیان داستان است.

راوی داستان‌های نجران مرهون از زبان فصیح استفاده می‌کند و معتقد است، داستان‌هایش باید به زبان فصیح باشند تا وقتی در اختیار کودکان دیگر کشورهای عربی زبان قرار می‌گیرد، همگان بتوانند از آن استفاده کنند؛ اما مترجم در ترجمه‌ی فارسی، از زبان محاوره‌ای و شکسته بهره جسته است، به طوری که نظر به ناتوانی کودک در خواندن داستان به زبان محاوره‌ای باید بزرگ‌سالی، مثلاً مادر، آن را برایش بخواند. «البته در باب مزیت بیان داستان به زبان محاوره‌ای، تجربه به‌خوبی نشان داده است که رعایت نکردن زبان مناسب، به‌ویژه در حوزه ادبیات کودک و تمرکز بر زبان مکتوب، باعث بی‌توجهی این مخاطبان به کتاب می‌شود؛ زیرا این گروه سنی به دلیل کم‌حوصلگی و همچنین وجود رسانه‌های گوناگون و جذاب، از خواندن کتاب صرف‌نظر می‌کنند» (رک. نجفی و جهانگیر صفری، ۱۳۹۶: ۴۰)؛ ولی نباید از یاد برد که برخلاف فرهنگ فارسی که در آن غالب داستان‌های کودک و نوجوان به زبان محاوره‌ای ترجمه یا تألیف می‌شود، در فرهنگ عربی بیشتر داستان‌های کودک، به زبان فصیح نوشته می‌شود.

۵.۲.۲. واژگان و جملات

گاهی کاربرد واژگان نامأنوس و دشوار در متن، نه تنها ارتباط کودک با متن را مختل می‌کند، بلکه ممکن است اشتیاق به خواندن را نیز از وی سلب کند. به دلایلی همچون تفاوت‌های شناختی و فرهنگی نمی‌توان انتظار داشت همه‌ی کودکان از دایره‌ی واژگانی ثابتی برخوردار باشند؛ اما همواره تعدادی واژه وجود دارند که برای کودکان در یک گروه سنی، مأنوس و از نظر معنایی فهمیدنی هستند. به این تعداد واژه، اصطلاح «واژگان پایه» اطلاق و استفاده از آنها در متون کودکان توصیه می‌شود (رک. علوی مقدم و خیرآبادی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). بر این اساس برخی از متخصصان ادبیات کودک مستقیماً به مسئله‌ی واژگان پایه و اهمیت آن در برقراری ارتباط سازنده با کودک اشاره کرده‌اند (رک. علاقه‌مندان، ۱۳۸۰: ۸۱).

در زندگی روزمره، کودک واژه‌های بسیاری را می‌شنود که معنی آنها را نمی‌فهمد ولی اغلب خود را قانع می‌کند که این واژه‌ها، مانند مجموعه‌ای از اعمال، مربوط به بزرگ‌ترهاست و ربطی به او ندارد، اما درباره‌ی کتابی که ویژه‌ی

کودک نوشته شده، مسئله به این شکل نیست، کتابی است که متعلق به او و نوشته [یا ترجمه شده] برای اوست و برای او تهیه و خریداری شده است، چه دلیلی دارد که آن کتاب یا قسمت‌هایی از آن را نفهمد و کسی هم نباشد که به او بفهماند (رک. ابراهیمی، ۱۳۶۴: ۴۲).

در مطالعه‌ای که بر واژگان مجموعه داستان *المنخله الخضراء* و تطبیق آن با ترجمه‌ی فارسی انجام شد، مشخص شد علی‌رغم اشاره نجران مرهون در مقدمه‌ی کتاب به توسعه‌ی دایره واژگانی به منزله‌ی یکی از اهداف وی در این مجموعه، مترجم در ترجمه‌ی فارسی هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است. مترجم در کاربرد برخی از واژگان فصیح نیز گاه از سطح واژگان پایه کودک فراتر رفته و از واژگانی استفاده کرده است که اگر برای کودک خواننده شود ممکن است معنای آن را درک نکند؛ واژگانی مثل «ابتدا» به جای «اول»، «جستجو کرد» به جای «دنبال گشت»، «برداشتِ هویج» به جای «جمع کردن یا چیدن هویج». بی تردید فهمیدن واژگانی مثل دنبال گشتن یا جمع، از جستجو و برداشت برای کودک راحت تر است. در دایره‌ای گسترده‌تر از واژگان، یعنی جمله، نیز باید توجه کرد «ویژگی اصلی جمله‌هایی که برای کودکان نوشته می‌شود کوتاهی و سادگی آن‌هاست، کودک، قدرت پذیرش مفاهیم و احساسات مختلف و مرکب را در یک جمله ندارد. یک مفهوم ساده و بسته در یک جمله کوتاه، درست مانند لبخند کوتاه و [تبسم] محبانه یک مادر است... درهم ریختگی و وسعت جمله‌ها و برش‌های متعدد در آن‌ها مانع از آن است که کودکان بتوانند کل ماجرا را احساس کنند» (ابراهیمی، ۱۳۶۴: ۵۹).

در تحقیقی که شورای کتاب کودک برای آگاهی از نظرهای کودک و نوجوان درباره‌ی شرایط اصلی کتاب خوب انجام داد، مشخص شد کودکان و نوجوانان زبان ساده و عاری از پیچیدگی را اولین شرط هر کتاب خوب می‌دانند (رک. دیانی، ۱۳۷۹: ۷). در این زمینه مترجم حوزه‌ی ادبیات کودک نیز باید در ترکیب واژگان و ساخت جمله دقت کافی کند و چنانچه این نقص در متن اصلی دیده شود، در

برگردان این نقیصه را برطرف سازد؛ چراکه «درک مفهوم جمله‌هایی که از چند عبارت تشکیل شده و نیم جمله و جمله‌های فرعی و تابع در درون خود دارد، برای کودکان مشکل است» (ابراهیمی، ۱۳۶۴: ۶۳-۶۴). در پژوهشی که قرشی و امین‌زاده (۱۳۹۱) بر ارزیابی خوانایی ترجمه‌ی فارسی کتاب *آلیس در سرزمین عجایب* انجام داده‌اند، به این نکته رسیدند که هر متن ترجمه که جمله‌های معلوم، جمله‌واره‌ها و انواع عبارت‌های روشن داشته باشد، از امکان خوانابودن بیشتری برخوردار است.

در بررسی ساختار جملاتی که مترجم در ترجمه‌ی مجموعه داستان *النخلة الخضراء* به کار برده است، گاه این نارسایی مشاهده می‌شود و جملات طولانی‌تر از معادل عربی آن می‌شود. به نظر می‌رسد دلیل آن به دو نکته بر می‌گردد: ۱. زبان عربی زبان ایجاز است و قادر است بیشترین مفاهیم را با کمترین واژگان بیان کند؛ از این رو در ترجمه از عربی به فارسی، بلکه هر زبان دیگر، مترجم ناچار است برای ادای همان معانی، واژگان بیشتری استفاده کند در نتیجه ممکن است جمله طولانی‌تر شود. ۲. گاهی طولانی شدن جملات در ترجمه‌ی فارسی ناشی از افزوده‌های بیش از حد مترجم است؛ نمونه ذکرشده در بخش چگونگی آغاز و پایان داستان «گاری شادی» از این قبیل است که پیش از این بدان اشاره شد.

۶. جنبه‌های دیداری ترجمه

در این بخش به دلیل اهمیت زیاد ظاهر کتاب کودک و متن آن در ادبیات مخصوص کودکان، موضوع‌هایی همچون تصویرگری، ارتباط متن با تصویر و رنگ‌ها در مجموعه‌ی *حکایات النخلة الخضراء* بررسی و مطالعه می‌شود:

۶.۱. تصویرگری کتاب کودک

ادبیات کودک ویژگی‌های خاص خود را دارد. اغلب کتاب‌های کودکان مصور هستند و بیشتر برای بلندخوانی نوشته می‌شوند. در ادبیات کودک، به‌ویژه در کتاب‌هایی که برای کودکان بی‌سواد نوشته می‌شوند، تصویرها اهمیت زیادی دارند.

در کتاب‌های تصویری، تصاویر حتی از واژه‌ها اغلب مهم‌تر هستند (رک. ایتینن، ۱۳۹۴: ۲۰۱). متأسفانه در عرصه‌ی مطالعات ترجمه، به تصویرگری به‌عنوان نوعی ترجمه، توجه نشده است. این در حالی است که پیرا معتقد است تصویرنگاری کتاب، خود نوعی ترجمه است. وی ماهیت ترجمه را با تصویرگری مقایسه کرده و بر این باور است که در تصویرگری هر نوشته، داستان یا کتاب و عناصر نوشتاری آن‌ها، اعم از جملات و کلمات به‌عنوان اثر مبدأ و اصلی عمل می‌کنند و متقابلاً تصویرها نقش محصول نهایی و مقصد را ایفا می‌کنند (رک. زاهدی و جاذب، ۱۳۹۳: ۴۹).

تصویر، مزایای زیادی برای کودک دارد. کتاب‌های تصویری، کودک را با واقعیت آشنا می‌کنند، دید کودک از اطراف خود را باز می‌کنند، اعتمادبه‌نفسش را افزایش می‌دهند، دقت اظهارنظر کودک را توسعه می‌دهند، معانی را به ذهن او نزدیک می‌کنند و مهارتش را افزایش می‌دهند (رک. الحاجی، ۲۰۱۵: ۴۲). در هر کتابی که برای کودکان نوشته می‌شود، به‌ویژه برای خردسالان، تصویر نقش اساسی در جذب کردن آن‌ها بر عهده دارد؛ چراکه کودک خردسال هنوز قادر به خواندن و نوشتن و حتی فکرکردن کامل نیست. بخشی از این نقیصه وقتی بزرگسال داستان را برای کودک می‌خواند، رفع می‌شود؛ اما بخش دیگر که پرورش تخیل و کمک به شکل‌گیری فرایندهای منجر به فکرکردن را در کودک بر عهده دارند، تصویرهای کتاب هستند (رک. ابراهیمی لامع، ۱۳۸۹: ۴۵). تصویرگری داستان، باعث علاقه‌مند شدن کودک به کتاب و ادبیات می‌شود و این شروعی است برای جستجو و پیدا کردن داستان‌هایی که به آن‌ها علاقه دارد و خو گرفتن او با جهان داستان و ادبیات (رک. دی گاتانو، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

نجران مرهون در تصویرگری مجموعه *النخلة الخضراء* از رنگ‌های زیبا و شاد استفاده کرده و به قول خود وی این مجموعه از نقاشی‌های زیبا و فضایی دلپذیر و مناظر چشم‌نواز بهره برده و باعث الهام‌گری متن به کودک می‌گردد. نکته درخور توجه اینکه، مترجم در ترجمه‌ی فارسی این اثر نیز از همان تصاویر متن اصلی استفاده کرده است و نظر به اینکه هر دو مجموعه را انتشارات «دار البراق»

به چاپ رسانده، تصویرگر در هر دو مجموعه فرشته منعمی بوده است؛ باوجوداین، استفاده یکسان از تصاویر در اثر ترجمه‌شده، گاه ارتباط کودک با متن را دچار مشکل کرده است که در ادامه به تفصیل بدان می‌پردازیم.

۲.۶. ارتباط تصویر و متن

در ارتباط بین تصویر و متن، به گفته‌ی کوئنتین بلیک، متن و تصویر باید با هم متوازن باشند. او این دو را «دوقلوهای ناهمسان» می‌نامد. تصاویر باید مسائلی را روشن کند که متن به‌تنهایی از عهده انجام آن عاجز است (میربابائیان، ۱۳۹۴: ۱۵۷-۱۵۸). ارتباط متن و تصویر در ترجمه‌ی کتاب‌های تصویری، ضرورتی است که نباید بی‌تفاوت از آن گذشت؛ چراکه بی‌توجهی به این موضوع، باعث گسیختگی این رشته‌ی ارتباطی شده، کودک را در ابهام فرومی‌برد؛ در نتیجه سردرگمی او در شناخت اشیای پیرامونش را به‌دنبال خواهد داشت.

نظر به اینکه مترجم در مجموعه *النخلة الخضراء* از همان تصاویر متن اصلی استفاده کرده، در این زمینه، هرگونه نقدی در باب کیفیت تصاویر گزینش‌شده، متوجه نه مترجم، بلکه نویسنده است؛ اما از آنجاکه در فرایند ترجمه، گاه متن فارسی جابه‌جا (پس‌وپیش) شده و با تصویر در یک صفحه قرار نگرفته است، باعث نوعی ناهماهنگی و نداشتن دلالت‌گری تصویر بر متن شده است؛ برای نمونه، مترجم بدون توجه به تصویر، متن را به نوع دیگری ترجمه کرده است. نمونه بارزش را می‌توان در داستان «بیت الخالة ففتت: خونه خاله موشه» (تصویر شماره ۲) دید. در متن عربی تصویر درخت بلوط و میوه‌ی آن رسم شده و در متن نیز عبارت «شجرة البلوط الكبيرة» آمده است؛ ولی مترجم آن را به «درخت گردوی بزرگ» ترجمه کرده، درحالی‌که تصویر همان تصویر درخت بلوط و میوه‌اش است. بی‌تردید این ناهماهنگی تصویر و متن ممکن است ذهن کودک را مشوش کرده، باعث شناخت نادرست وی از پدیده‌ها شود.



تصویر ۲

۶.۳. اهمیت توجه به رنگ‌ها در ترجمه

نوع رنگ و انتخاب آن در تصویر نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. «رنگ کامل‌کننده‌ی خط و فرم در آفرینش تصویر است، افزون بر امکانات زیبایی‌شناسی‌ای که رنگ در تصویر ایجاد می‌کند، پیدایش احساس و عاطفه در نمایش رنگ، هدفی است که تصویرگر به آن توجه نشان می‌دهد. حضور رنگ در تصویر، باورپذیری کودکان را افزایش می‌دهد و ارتباط او را با عناصر تصویری نزدیک‌تر می‌کند» (اکرمی، ۱۳۸۹: ۷۸). گرایش به رنگ‌های تند و خالص، درخشان و یکدست بیشتر مناسب کودکان خردسال و سال‌های اول دبستان است (همان: ۸۱).

چون مترجم، گاه به دلیل بی‌توجهی به تصویر، نام رنگ‌ها را در ترجمه‌ی اثر، تغییر داده و به رنگی دیگر ترجمه کرده است، باب نقد و نظر باز است؛ برای نمونه، مترجم در ترجمه‌ی داستان «بیت الخالة فنفت» (تصویر شماره ۳)، در برگردان جمله «بدأوا بصیغ السقف باللون الأحمر، والباب باللون البنفسجی»، جدای از اینکه کلمه «السقف» را به «دیوار» ترجمه کرده است، عبارت «اللون الأحمر: رنگ قرمز» را به «رنگ سفید» و «للون البنفسجی: رنگ بنفش» را به «رنگ صورتی» برگردانده است، درحالی‌که تصویر همان رنگ‌ها را به کودک نشان می‌دهد.



تصویر ۳

همچنان که در ترجمه‌ی داستان «شیء واحد یجمعنا»، جمله «ثلاثة مخلوقات صغيرة» را به «سه حیوان کوچولوی سبزرنگ» ترجمه کرده و «رنگ سبز» را بدون دلیل به ترجمه افزوده است، درحالی‌که این سه موجود کوچک، همه به رنگ سبز نیستند.



تصویر ۴

برآیند کلی در این بخش این است که تصویرگری، ارتباط بین تصویر و متن و نوع رنگی که انتخاب می‌شود، در ادبیات کودک جایگاه ویژه‌ای دارد؛ از این رو مترجم باید در ترجمه‌ی این گونه آثار دقت کافی کند. هرچند گاهی ارتباط

مترجم و تصویرگر کتاب‌های کودک در فرایند چاپ قطع می‌شود و به بروز چنین مشکلاتی منجر می‌گردد.

۷. نتیجه‌گیری

ازآنچه در بررسی جنبه‌های فنی و دیداری ترجمه‌ی ادبیات کودک گذشت، نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. معتقدیم که ترجمه‌ی ادبیات کودک باید به درک وسیع‌تر کودک از جوامع و فرهنگ‌های بیگانه و گسترش ارزش‌های کودک و نوجوان کمک کند؛ اما به نظر می‌رسد گاه فرایند بومی‌سازی به قدری شدید می‌شود که این هدف عملاً محقق نمی‌شود. در بررسی مجموعه داستان *حکایات النخلة الحضره* مشخص شد مترجم برخی عناصر فرهنگی تربیتی، مثل مواجه کردن کودک با موقعیت ترس، تقویت حس مشارکت در کارها، حل مشکلات، رضایت به حق و سهم خویش و... را از اصل متن عربی حذف کرده است. در بررسی واژگان و جملات نیز مشخص شد مترجم گاهی موضوع سطح خوانایی کودک را از یاد برده و از واژگان و جملاتی استفاده کرده که فراتر از دانش پایه کودک است.
۲. کتاب‌های کودک و نوجوان کتاب‌هایی متشکل از متن و تصویر هستند؛ ازاین‌رو مترجم باید دقت کند در فرایند ترجمه، تصویر را نیز ترجمه کند یا چنانکه قرار است، با حفظ حقوق معنوی اثر، از همان تصویرهای متن مبدأ استفاده کند، توجه نماید که متن مرتبط با تصویر، از صفحه مربوط به آن خارج و هماهنگی لازم به هر دلیلی مختل نشود. در تطبیق مجموعه *حکایات النخلة الحضره* مشخص شد به علت قطع ارتباط مترجم و تصویرگر، این ارتباط مختل شده است و تصویرها گاهی گویای متن و دلالت‌گر نیستند.
۳. به نظر می‌رسد در برخی آثار چاپ‌شده در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، مترجم بعد از ترجمه‌ی متن، از فرایند تکمیل اثر کنار می‌رود و ارتباط او با تصویرگر کتاب (مرحله‌ی بعد از ترجمه) قطع می‌شود. پیشنهاد می‌شود ناشران

محترم بعد از آماده‌شدن کتاب کودک برای چاپ، با ارسال آن به مترجم و تصویرگر، تأیید ایشان را از هماهنگی متن با تصویر دریافت کنند.

منابع

- ابراهیمی لامع، مهدی. (۱۳۸۹). «نقد و بررسی: علی کوچولوی اکنون یا گذشته؟ مروری بر مجموعه داستان: ماجراهای علی کوچولو». کتاب ماه کودک و نوجوان، سال ۱۳، شماره‌ی ۱۲، صص ۴۳-۴۵.
- ابراهیمی، نادر. (۱۳۶۴). مقدمه‌ای بر فارسی‌نویسی برای کودکان. تهران: آگاه.
- اکرمی، جمال‌الدین. (۱۳۸۹). کودک و تصویر ۲. تهران: سروش.
- امام، عباس. (۱۳۹۳). «ترجمه‌ی کودکانه‌ها به فارسی: چالش لحن». مطالعات زبان و ترجمه، سال ۴۷، شماره‌ی ۱، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- ایتینن، ریتا. (۱۳۹۴). ترجمه برای کودکان. ترجمه‌ی حسین ابراهیمی (الوند) و دیگران، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بخشی، معصومه. (۱۳۹۲ الف). مجموعه قصه‌های نخل سبز؛ ۱. تیغ تیغی مهربون. قم: براق.
- _____ (۱۳۹۲ ب). مجموعه قصه‌های نخل سبز؛ ۲. دوست خوب. قم: براق.
- _____ (۱۳۹۲ ج). مجموعه قصه‌های نخل سبز؛ ۳. خونه خاله موشه. قم: براق.
- _____ (۱۳۹۲ ح). مجموعه قصه‌های نخل سبز؛ ۴. تقریح دریایی. قم: براق.
- _____ (۱۳۹۲ د). مجموعه قصه‌های نخل سبز؛ ۵. بادکنک بازیگوش. قم: براق.
- _____ (۱۳۹۲ ز). مجموعه قصه‌های نخل سبز؛ ۷. گاری شادی. قم: براق.
- _____ (۱۳۹۲ و). مجموعه قصه‌های نخل سبز؛ ۶. باهم دوست باشیم. قم: براق.
- _____ (۱۳۹۲ ه). مجموعه قصه‌های نخل سبز؛ ۵. درخت انگور. قم: براق.
- الحاجی، مریم. (۲۰۱۵). التصرف فی ترجمه أدب الطفل ترجمه‌ی کامل کیلانی «Le Petit Chperon Rounge» و «La Barbe Bleue» للكاتب Charles Perrault الجزائر: دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه الحاج لخضر - باتنة.

دی‌گاتانو، گلوریا. (۱۳۹۳). *فرزند پروری در عصر رسانه*. ترجمه‌ی فروغ ادریسی، تهران: همشهری.

دیانی، محمدحسین. (۱۳۷۹). *سنجش خوانایی نوشته‌های فارسی*. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای.

زاهدی، صابر و جاذب، محسن. (۱۳۹۳). «ترجمه‌ی بین‌نشانه‌ای و تحریف فرهنگی: بررسی موردی تصویرگری در ترجمه‌ی رباعیات خیام». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال ۶، شماره‌ی ۱، صص ۴۷-۶۱.

شکوهمند، فرزانه. (۱۳۹۶). «اهمیت ترجمه در فیلم‌های کودکان؛ بررسی دو ترجمه از انیمیشن موش سرآشپز». *مترجم*، سال ۲۶، شماره ۶۱، صص ۱۴۹-۱۵۷.

صفوی، کورش. (۱۳۷۱). *هفت گفتار درباره ترجمه*، کتاب ماد. تهران: مرکز علاقه‌مندان، جعفر. (۱۳۸۰). «واژگان پایه در خدمت ادبیات کودک و برنامه‌ریزی درسی». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، شماره‌ی ۴۷، صص ۸۰-۸۴.

علوی مقدم، سیدبهنام و خیرآبادی، معصومه. (۱۳۹۳). «بررسی واژگان پایه در متن‌های داستانی و شعرهای مجله *رشد نوآموز*». *جستارهای زبانی*، شماره‌ی ۲ (پیاپی ۱۸)، صص ۱۳۹-۱۶۰.

قرشی، محمدحسین و امین‌زاده، سیروان. (۱۳۹۱). «مفهوم خوانایی در ترجمه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان و شیوه‌ی ارزیابی آن». *مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز*، سال ۳، شماره‌ی ۲ (پیاپی ۶)، صص ۷۵-۹۰. قرشی، محمدحسین. (۱۳۸۵). *بررسی مشکلات ترجمه‌ی ادبیات کودکان*. تهران: صنم.

گشمردی، محمودرضا و رضانواز، المیرا. (۱۳۹۲). «نقد بافتاری ترجمه‌های کتاب *شازده کوچولو* با تکیه بر زبان‌شناسی متن». *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء*، سال ۵، شماره‌ی ۹، صص ۱۷۴-۱۹۷.

محمدی، مهدی و سیفی، فریده. (۱۳۹۴). «مفاهیم اخلاقی در آیین داستان‌های ترجمه‌شده برای کودکان و نوجوانان». *معرفت*، سال ۲۴، شماره‌ی ۲۰۹، صص ۷۲-۵۹.

مرهون، نجران. (۲۰۱۳ الف). حکایات النخلة الخضراء؛ ۱، القنفذ صديق الكل. نجف: دار البراق لثقافة الأطفال.

_____ (۲۰۱۳ ب). حکایات النخلة الخضراء؛ ۲، أنا أَلعب معك. نجف: دار البراق لثقافة الأطفال.

_____ (۲۰۱۳ ج). حکایات النخلة الخضراء؛ ۳، بيت الخالة فتفت. نجف: دار البراق لثقافة الأطفال.

_____ (۲۰۱۳ ح). حکایات النخلة الخضراء؛ ۸، شیءٌ واحدٌ یجمعنا. نجف: دار البراق لثقافة الأطفال.

_____ (۲۰۱۳ د). حکایات النخلة الخضراء؛ ۴، رحلة بالون لولو. نجف: دار البراق لثقافة الأطفال.

_____ (۲۰۱۳ ز). حکایات النخلة الخضراء؛ ۷، عربة لصغار الغابة. نجف: دار البراق لثقافة الأطفال.

_____ (۲۰۱۳ و). حکایات النخلة الخضراء؛ ۶، نزهة بحرية و لكن. نجف: دار البراق لثقافة الأطفال.

_____ (۲۰۱۳ هـ). حکایات النخلة الخضراء؛ ۵ شجرة العنب لمن. نجف: دار البراق لثقافة الأطفال.

معاذاللهی، پروانه. (۱۳۹۰). «ترجمه‌ی ادبیات کودکان: بررسی ترجمه‌ی اسامی خاص شخصیت‌ها به‌طور ویژه». مطالعات ادبیات کودک، سال ۲، شماره‌ی ۲، صص ۱۵۳-۱۶۸.

میربابائیان، الهه‌سادات (۱۳۹۴). آنچه یک تصویرگر کتاب کودک باید بداند. ساری: روجین مهر.

نجفی بهزادی، سجاد و صفری، جهانگیر. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل درون‌مایه و تصویر در داستان‌های کودکانه‌ی رولد دال». پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال ۵، شماره‌ی ۲ (پیاپی ۱۸)، صص ۲۸-۴۴.

یعقوبی، حسین. (۱۳۸۴). زبان، ترجمه و ارتباط فرهنگ‌ها. تهران: مرکز.